

دندان درد



به نام خدایِ ثانیهِ هایِ قَسَنگِ زندگی

امروز عیدِ مَبَعَثِ اَسْت و ثنا خواهرِ بزرگترِ ثریّا و کیومرث به خانه‌ی آن‌ها آمده اَسْت. وقتی ثنا در اُتاقِ خواهر و برادرش را باز کرد شوکه شد و گفت: چرا این اُتاقِ کثیف اَسْت؟ ثریّا و کیومرث خجالت زده سرشان را به پایین انداختند. ثریّا گفت: کافی اَسْت چند ثانیهِ زَمَانِ داشته باشیم تا اُتاق را تمیز و مرتّب کنیم.

ثنا گفت: پیشنهاد خوبی اَسْت. مَن هَم به شما کُمک می کُنم.

آن سه نفر کارها را تقسیم کردند تا تمیز کردنِ اُتاقِ زودتر انجام شود.

کمی بعد اُتاقِ مِثْلِ روزِ اوّلِ مرتّب شد. ثریّا و کیومرث به خواهرشان قول

دادند که هیچ وقت اجازه ندهند اُتاقشان کثیف و به هم ریخته شود.



سپس این سه نفر با صابون دست و صورت خود را شستند و کنار هم نشستند تا کمی چای بنوشند که ناگهان ثریا فریاد زد: آی دندونم! آی

لثه هام! تنا با نگرانی پرسید: چه اتفاقی افتاده است؟ چی شده ثریا جان؟ کیومرث گفت: من می دانم چه اتفاقی افتاده است. ثریا هفته ی گذشته هر روز شکلات و شیرینی خورد، روز اول ۵ شکلات، روز دوم ۱۰ آب نبات، روز سوم ۵ شیرینی خامه ای و روز چهارم ۱۰ شکلات دیگر خورد، اما بعد از خوردن آن ها، دندان ها و لثه هایش را تمیز نکرد. آن شکلات و شیرینی ها اثر خودشان را روی لثه های ثریا گذاشته اند.

ثریا با شرمندگی گفت: من قول می دهم دیگر شیرینی و شکلات نخورم و هر شب دندان هایم را مسواک بزنم. زیرا سلامتی بزرگ ترین ثروت ما انسان هاست و ما باید مراقب این نعمت که خدا به ما داده است باشیم.





داستان را خواندی، حالا به سوال ها پاسخ بده.

۱) امروز چه روزی است؟

۲) اتاقِ تُریا و کیومرث چه شکلی بود؟

۳) چرا تُریا دندان درد داشت؟

۴) چرا خوردنِ زیادِ شیرینی و شُکلات خوب نیست؟

۵) تُریا چه قوی داد؟

۶) بزرگترین ثروتِ ما انسان ها چیست؟

۷) اگر تُریا روزِ اوّل ۵ شُکلات و روزِ چهارم ۱۰ شُکلات خورده باشد، در این دو روز چند

شُکلات خورده است؟

۸) تُریا رویِ هم چند شیرینی خورده است؟



